تواتر قرائات سبع

شاگرد: خود سبعه در قرائت افراد نداشتند؟

استاد: داشتند. خود سبعه افراد داشتند، مختار داشتند. مختارات متعددی داشتند. مقدمه تفسیر قرطبی را ببینید. می‌گوید هر کدام از این ائمه سبعه خودشان چند مختار دارند. قرطبی جزاف گو نیست. همینطور است. یعنی کسی که فضای قرائات قرن دوم در دستش نباشد حیران می‌شود. اما وقتی آن فضا به دستش آمد می‌بیند که مشکلی نداشتند. عبارت نافع را خواندم. جالب است که در التبصره مکی برای عاصم هم دیدم. حالا باید تحقیق شود که کدام یک از آن‌ها است.

در اجازه نامه صاحب معالم، شهید ثانی –قبلاً عبارت را از بحارالانوار چاپ اسلامیه صفحه ۱۹۷ خواندم- هست. این بزرگان علماء چه فرمودند؟ فرمودند ما سند قرائت داریم. بعد وقتی سند را می‌فرمودند در فن قرائت از چندین کتاب صریحاً اسم برده‌اند. یکی از آن‌ها تبصره مکی بن ابیطالب بود. استاد داني. یکی التیسیر خود داني بود. یکی هم شاطبیه بود که خیلی معروف است. شاطبیه شاطبی. سه کتاب مترتب بر هم است. استاد داني، مکی بن ابیطالب التبصره را نوشت. التبصره آنی است که در اجازه نامه های علماء شیعه بود که می‌گفتند ما اجازه داریم که تبصره را اقراء کنیم. بعد تیسیر بوده. این‌ها را برای این نکته می‌گویم. در فضای قدمای فقهای شیعه –از قرن دهم به قبل- وقتی علامه حلی می‌گفتند در سبع تواتر مسلم داریم منظورشان این بوده که این شواذ بیرون هستند. چرا بیرون هستند؟

من این را عرض می‌کنم. تحقیقش با خودتان. آن‌ها که می‌گفتند سبع متواتر هستند یعنی همین هایی که ما می‌گوییم. از ابن مجاهد شروع می‌شود و به طریق خاصی در تبصره مکی می‌آید. در تیسیر داني، و در شاطبیه شاطبی می‌آید. هر کسی قرائات این سه کتاب را ببیند به سبع متواتر قطعی وصل شده که علامه حلی فرمودند «لا خلاف فیه»؛ قطعاً قرآن است. هر کدام از آن‌ها را اگر در نماز بخواند مجزی است. پس شما در فرمایش این فقها ذهنتان را به جای دیگری نبرید. چرا؟ چون این کتاب‌ها در فضای قرائات جا گرفته بود.

شاگرد: این سه کتاب به ابن مجاهد می‌رسد؟

استاد: تبصره بعد از ابن مجاهد است با فاصله حدود صد سال. مکی بن ابیطالب کتاب التبصره را نوشته است. در الشامله نیست اما پی دی اف آن در هند چاپ شده است که من آن را دیدم. همان حرفی را که من به نافع نسبت دادم و چند بار در این‌جا خواندم مکی در تبصره به عاصم نسبت می‌دهد. می‌گوید می‌دانید که چرا اختلاف قرائات از عاصم است؟ چون عاصم مختار داشت اما به هر کسی که قرآن می‌گفت مختارش را تعلیم نمی کرد. یکی از او افراد قرائت می‌کرد، یکی از راوی دیگری افراد القرائه می‌کرد. یک جا مختار خودش را می‌گفت. خیلی جالب است. همان حرفی که نافع زد است؛ أ أحرم نفسی من ثواب القرآن؟! کان النافع یقرأ الناس بجمیع القرائات. اذا سأله انسان ان یقرأه بمختاره أقرأه بالختیاره. این برای نافع بود. در تبصره هم هست. پس این سه کتاب در نظرتان باشد. در یک جایی دیدم که شاطبیه و تیسیر از نظر طرق، بیستو یک طریق دارند. واحد و عشرون طریقا.

بازبینی #3
ایجاد شده 22 آوریل 2024 14:22:20 توسط ... .

. ... طس وت 16:45:31 2024 مه 28 به روزرسانی شده